

بسیاری از داروهای مورد استفاده بدون نسخه از جمله داروی ضد سرخه، سرماخوردگی، و ... باعث گیجی ناخواسته می‌شوند که ممکن است رانندگی را با مشکل روبه‌رو کند.

زخمی شدن یک محیط‌بان در خراسان جنوبی

فرمانده یگان حفاظت محیط زیست گفت: «یکی از محیط‌بانان شهرستان قائن باتیراندازی مستقیم شکارچی متخلف بشدت زخمی شد.» سرهنگ جمشید محبت‌خانی گفت: «عبدالله اسدی برون -یکی از محیط‌بانان شهرستان قائن- در جریان گشت و کنترل و اجرای مقررات شکار و صید در مناطق و زیستگاه‌های حیات وحش این شهرستان متوجه حضور یک شکارچی غیرمجاز شد و هنگام رودرویی با شکارچی متخلف متأسفانه شکارچی متخلف اقدام به تیراندازی با اسلحه ساچمه‌زنی به سمت محیط‌بان کرد و پس از زخمی کردن او از ناحیه سر، صورت و دست از منطقه متواری شد.» به گزارش روابط عمومی سازمان حفاظت محیط زیست، وی اظهار کرد: «بااطلاعات دریافتی از سوی همیاران، مأموران نیروی انتظامی در تلاش برای دستگیری این متخلف هستند و به زودی شناسایی، دستگیر و به دست قانون سپرده می‌شود.»

ذره بین

دستگیری دو قلوهای جاعل



شهروند | دو برادر دوقلویی که سند نمره کار خودرو و موتورسیکلت را جعل می‌کردند، در دام مأموران کلانتری گرفتار شدند. در پی دریافت شکایت مردمی مبنی بر سرقت خودرو، پرونده‌ای تشکیل شد که مأموران کلانتری ۱۳۲ نبرد روز دوشنبه پس از کشف خودروی پراید مسروقه، متهمان پرونده را که برادران دوقلو بودند، دستگیر کردند. پس از کشف خودرو مشخص شد که لوازم داخل آن توسط ساقان باز و سرقت شده بود. همه اموال مسروقه از داخل خانه متهمان کشف شد و در بازرسی از مخفیگاه آنها، دستگاه‌های شماره‌ای سندکردن موتورسیکلت و خودرو کشف شد. متهمان در بازجویی‌ها به ۱۵ سرقت داخلی خود، دو کشف شده به‌طور کامل به وسیله متهمان تخلیه شده بود و متهمان لوازمی از قبیل آینه، باتری، فرمان و غیره را پس از بازکردن برای فروش آن در سایت دیوار آگهی کرده و همچنین در اختیار اوراچی‌های میدان شوش قرار می‌دادند.

رئیس کلانتری ۱۳۲ نبرد با اعلام این خبر گفت: «مالخر پرونده تحت تعقیب است و دستگیر خواهد شد.» سرهنگ تیموری همچنین درباره شیوه سند نمره کردن خودرو و موتورسیکلت‌ها توسط متهمان گفت: «متهمان تنه موتور را سنگ گرفته و شماره قبلی بدنه را پاک می‌کردند و پس از آن با دستگاه‌های مخصوص اقدام به شماره گذاری بر روی بدنه موتورسیکلت و خودرو می‌کردند. شهروندان از طریق وکالت شخصی اقدام به خرید و فروش موتورسیکلت و خودرو نکنند و حتماً از مبادی رسمی و شماره گذاری‌های معتبر اقدام به این کار کنند.»

پلیس در تعقیب چهار کلاهبردار



شهروند | دادسرای امور جنایی و جرایم خاص شهرستان کرج تصویر چهار کلاهبردار را رسانه‌ای کرد. بازپرس شعبه ۲ دادسرای امور جنایی و جرایم خاص شهرستان کرج از دستگیری اعضای باند غصب عنوان کلاهبرداری و کارچاقکنی در دستگاه قضائی و دوایر دولتی در تهران و البرز خبر داد. بهمین آیین، بازپرس شعبه ۲ دادسرای امور جنایی و جرایم خاص شهرستان کرج گفت: «آخرین اعضای باند کلاهبرداری و کارچاقکنی در دستگاه قضائی در استان‌های تهران و البرز به نام‌های علیرضا شوندی، امید شوندی، سعید فابلی و نیما فرد پتیرق که از طریق غصب عناوین حقوقی و ادعای اعمال نفوذ در مراجع قضائی اقدام به اغفال و کلاهبرداری از افراد می‌کردند، دستگیر و بازداشت شدند.» بازپرس شعبه ۲ دادسرای امور جنایی و جرایم خاص افزود: «حسب دستور قضائی از سوی مرجع قضائی مبنی بر انتشار تصاویر این افراد در رسانه‌ها و جرایم کثیرالانتشار به منظور شناسایی شکات و مالباختگان احتمالی در صورت شناسایی متهمان یا طرح گزارش و شکایت علیه آنها می‌توانید به شعبه دوم بازپرس و دادسرای عمومی و انقلاب کرج (امور جنایی و جرایم خاص) مراجعه کنید.»

گفت‌وگوی «شهروند» با مردی که چند روز از توریست آلمانی و همراهانش در تهران پذیرایی کرد

از همان اول فیلیپ با ما خوب نبود

نه‌گروگانگیری بود، نه‌گروکشی

وجود داشته‌باشد.

بعدها در مان فیلیپ به‌خانه شما آمد؟

بله؛ من به واسطه قولی که به‌عموم داده بودم و دل‌رحمی خودم فیلیپ را تنها نگذاشتم. تمام هزینه‌هایش را تقبل کردم. عموم می‌گفت هر هزینه‌ای کردی مادرش به تو پس خواهد داد. بعد از ترخیصش از بیمارستان او را به‌خانم‌بردم. بهترین امکانات را در اختیارش گذاشتم. از طرف دیگر با همه خستگی و بی‌خوابی‌های پی‌درپی ساعت ۳ صبح شنبه، پنجم مرداد، برای آوردن مادر فیلیپ و خواهر خانم عموم از فرودگاه امام‌خمینی (ره) به‌آن‌جا رفته و به‌اتفاق آنها به منزل خودم برگشتم. میهمانان ماند اعضا خانواده با ما زندگی می‌کردند فقط کارها و هزینه‌ها را ما انجام می‌دادیم، به طوری که همه امور و برقراری امنیت و آسایش همه افراد در بالاترین سطح انجام شد. از طرف دیگر رفتار فیلیپ با اعضای خانواده‌ام خیلی صمیمانه نبود و بیشتر سرگرم فضای مجازی و امور خودش بود. با این‌که تجهیزات سرگرمی و وسایل بازی در خانه ما مهیا بود، به پیشنهاد فرزندانم با آنها تفریح و بازی می‌کرد. می‌گفتند وقتی فیلیپ را دیده‌اند او گرسنه بود در صورتی که او بیشتر غذای ما را به صورت میکس شده و مایع مصرف می‌کرد و هیچ‌گاه از گرسنگی شکایت نداشت.

چقدر برای او هزینه کردید؟

فقط هزینه جراحی و انتقال او به تهران حدود ۵۰ میلیون تومان شد. حالا پذیرایی‌ها، حمل‌ونقل و کارهای پس‌گرفتن اموالش یماند. دوازده تا شش ماه درآمد من و حتی باسارقان هم صحبت کردم. به آنها گفتم چرا این بنده خدا را کتک زدید. گفتند نمی‌دانیم چقدر از ما خرابی است.

ماجرای دعوی روز آخر چه بود؟

ساعت حدود ۸ شب بود که در حال بدرقه و خداحافظی با میهمانان خود بودیم. البته قبل از آن با تقاضای مادر فیلیپ با کمی اختلاف نظر توافقاتی در خصوص محاسبه مخارج و هزینه‌ها و امور انجام شده، بر خوردیم ولی قضیه آن قدر بزرگ نبود. من پول هزینه‌های که کرده بودم را می‌خواستم اما مادر فیلیپ تنها پولی را که به‌عنوان بدهی عموم به من بود را پرداخت کرده بود.

ماجرای بدهی چه بود؟

عموم به من ۲۰ میلیون تومان بدهی داشت. او ۹۰۰ یورو به مادر فیلیپ داده بود تا به من پرداخت کند. روز قبل از رفتن فیلیپ، مادرش این پول را به من داد که روز آخر وقتی صحبت هزینه‌ها شد، گفت که ۹۰۰ یورو پرداخت کرده در صورتی که آن پول، بدهی عموم بود.



چقدر هزینه کردید و چقدر پول از آنها می‌خواستید؟

من حدود ۵ هزار یورو هزینه کرده بودم و در توافقتنامه قرار بود ۸ هزار یورو به من بدهند.

یعنی بیشتر از ۵ هزار یورو خواستید؟

مادر فیلیپ روز آخر وقتی صحبت‌های مرا شنید و متوجه هزینه‌ها شد، هزار و ۱۰۰ یورو پرداخت کرد. گفت که وقتی رفت ال‌ان بقیه‌اش را هم پرداخت می‌کند.

ماجرای توافقتنامه و قرار داد چه بود؟

یک توافقتنامه نوشتیم. بابت هزینه‌هایی که من کرده بودم و خانم‌ها را که در اختیارشان گذاشتم و همه پذیرایی‌ها قرار شد، ۸ هزار یورو به من پرداخت شود که هزار و ۱۰۰ تا آن پرداخت شده بود. من نه گروکشی کردم و نه گروگانگیری؛ این توافقتنامه هم همین طوری نوشته شد. قرار شد مادر فیلیپ وقتی به آلمان رفت و کارهای بیمه پسرش را انجام داد، اگر پولی گرفت، پرداخت کند اگر نه هم که دیگر هیچ.

یعنی آنها با نارا حتی خانه‌شمارا ترک نکردند؟

نه؛ اتفاقاً دوست دختر فیلیپ چندبار دست همسر مرا بوسید، کلی از ما تشکر کرد و بندست هم قدران ما بود اما فیلیپ نه. مادر فیلیپ هم چندین بار همسر مرا در آغوش گرفت و از او تشکر و بابت شیطن‌های فیلیپ عذرخواهی کرد.

دلیل این‌که فیلیپ از شما ناراحت بود، چیست؟

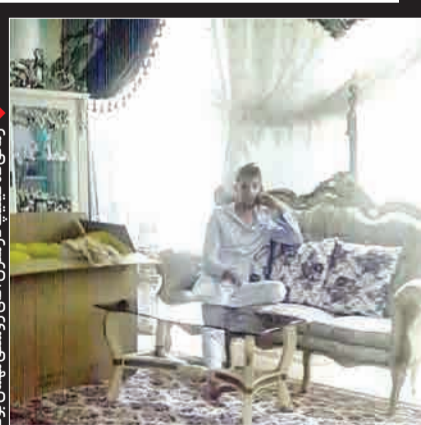
نمی‌دانم. از همان اول هم فیلیپ زیاد با ما خوب نبود. حتی یک‌بار هم در آن مدت در اینستاگرامش از ما تشکر نکرد. یک‌بار وقتی دخترم به ملاقات فیلیپ در بیمارستان آمد، فیلیپ خواست با او احوالپرسی گرمی کند اما دخترم که با این آداب و فرهنگ‌ها مخالف بود، از انجام آن خودداری کرد. همه ما و حتی خود فیلیپ بسیار خندیدیم و در باره این موضوع صحبت کردیم. خانمی که دوست دختر فیلیپ بود و قرار بود که باهم ازدواج کنند بسیار از این موضوع خوشحال شد، فکر کنم فیلیپ از همان جابا ما کدورت پیدا کرد.

ماجرای فرستادن فرزندان به آلمان چه بود؟

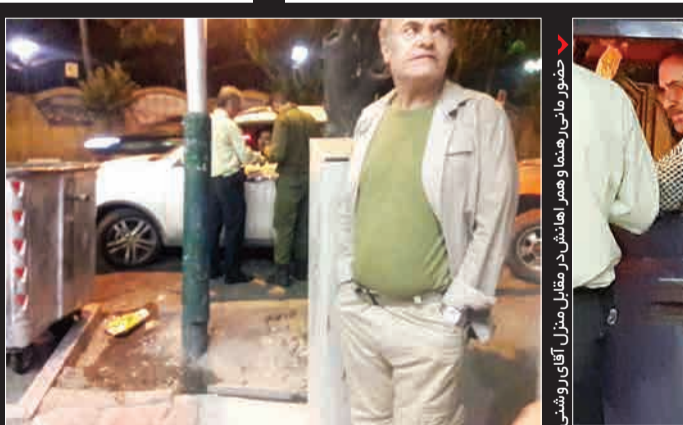
ماصلانمی خواستیم هیچ کداممان به آلمان برویم. ماجرا از این قرار بود که پزشک نام‌های داده بود و گفته بود در پرواز کسی همراه فیلیپ باشد که بتواند کمکش کند. مادر فیلیپ هم از من خواست همراه‌شان باشم اما من گفتم نمی‌توانم و پسر من با آنها همراه شود؛ حتی به سفارت هم رفتیم و کارهایشان را انجام دادیم ولی بعد که فیلیپ با مادرش در اتاق صحبت کرد، آنها نظرشان عوض شد. ما هم حرفی نزدیم.

چه شد که ما جابا به مانی رهنما و همراهانش کشیده‌شد؟

هیچکس این آقا را نمی‌شناخت. نمی‌دانم چرا در این قضیه دخالت و برای ما مزاحمت ایجاد کرد احتمال می‌دهم نقشه‌ای داشت.



زمانی که فیلیپ در منزل آقای روشنی میهمان بود



حضور مانی رهنما و همسر اهاانش در منزل منزل آقای روشنی

روایتی از چهار روز عملیات جست‌وجو در ارتفاعات دماوند

پیکر بی جان فرناز در یخچال عروسک‌ها

گروه کمی با فاصله از گروه اصلی به سمت پایین حرکت می‌کنند و در مسیر یخچال شمال شرقی دچار حادثه می‌شوند و سقوط می‌کنند. حمید مساعبدیان، رئیس بخش امداد و نجات و فدراسیون کوهنوردی در این باره به «شهروند» گفت: «آن‌طور که همراه خانم دولتخواه به ما اعلام کرده، هر دو کوهنورد به دنبال سقوط مصدوم شدند. با وجود این، خانم دولتخواه اعلام می‌کند به دلیل جاماندن کوله باید دوباره به محل قبلی بازگرد. به همین دلیل هم همراه خانم دولتخواه ایشان را راه می‌کنند و به سمت پایین قله حرکت می‌کنند که این اشتباه بزرگی بوده است.» به گفته مساعبدیان، پیکر فرناز در حوالی یخچال عروسک‌ها در منطقه‌ای بشدت ریزشی

پیدا شده است. این مکان همان مختصات جغرافیایی را دارد که از ابتدا مشخص شده بود ولی به علت پوشیده شدن با سنگ‌های ریزشی از دید نیروهای امدادی مخفی بوده است. مساعبدیان درباره نحوه انتقال پیکر این زن کوهنورد هم توضیح داد: «با توجه به ریزشی بودن شدید محل و خطرات بیشتر برای امدادگران حاضر در منطقه، تیم‌های تخصصی امداد و نجات هلال‌احمر و بخش جست‌وجو و نجات فدراسیون کوهنوردی در صدد تنظیم برنامه فنی برای انتقال پیکر با کمترین ریسک خطر است و به امید خدا پیکر تاروز چهارشنبه به پایین کوه انتقال داده می‌شود.» مرتضی سلیمی، رئیس سازمان امداد و نجات هلال‌احمر هم با اشاره به کشف جسد فرناز، دولتخواه در ارتفاع ۵۱۰۰ جبهه شرقی



قله دماوند و اعزام نیروهای امدادی هلال‌احمر به این منطقه گفت: «پس از اعزام تیم‌های جست‌وجوی امداد کوهستان هلال‌احمر برای نجات کوهنورد مفقودی در دماوند، بعدازظهر دوشنبه دقایقی قبل از تاریکی هوا پیکر او پیدا شد و از صبح روز سه‌شنبه با وجود شرایط جوی نامطلوب، عملیات انتقال جسد به پایین آغاز شده است.»